

قمه زنی زیر تیغ نقد

محمد تاج

بدون شک، برپایی مراسم عزاداری و سوگواری برای اهل بیت(ع) عصمت و طهارت، به ویژه امام حسین(ع) و یارانش از شعائر الهی و دارای اجر و ثواب بسیار، و وسیله ای برای قرب و نزدیکی به خداوند است.

اما در سال های اخیر، جریانی افراطی و مشکوک با پخش اطلاعاتی، سی دی و کتاب به تبلیغ و ترویج بدون حد و مرز بودن عزاداری پرداخته و می گوید: هر عملی که به قصد عزاداری انجام شود، جایز است. و همه انواع عزاداری های مرسوم در جهان که حدود ۳۳۰ نوع می باشد، جایز است.

بر اساس این باور، قمه زنی، قفل زنی، استفاده از زنجیرهای تیغ دار، در آتش رفتن و... جایز است. این جریان برای اثبات این ادعا، از همه ابزارهای ممکن، از جمله تحریک احساسات، خلط حق و باطل و حتی تهمت و افترا به برخی از فقهای گذشته و حال سود جسته و باهمه توان، تلاش کرده که قمه زنی را عملی شرعی و مستند نشان دهد.

بدون شک، عزاداری نیز همانند بسیاری از امور دیگر دارای حد و مرز است؛ حد و مرزهایی که همگان ملزم به رعایت آن هستند؛ زیرا عزاداری با اهمیت و نقش مفیدی که دارد، اگر به صورتی غیر صحیح انجام شود، ضررهای جبران ناپذیری را به بار می آورد، از این رو، وظیفه عالمان و حوزه های علمیه است، که بدون مجمل گویی و با صراحت، حد و مرز آن را بیان کنند.

خداوند متعال در قرآن می فرماید: «وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ؛ هر کس از حدود الهی تجاوز کند بر نفس خویش ظلم کرده است». و نیز روایات زیادی داریم که هر چیزی دارای حد است: «ما من شیء الا و له حد» هیچ چیزی نیست، مگر آنکه برای آن حدی است. این اصل که هر چیزی را حدی است، در عصر ائمه معصومین(ع) نیز، مورد تردید برخی افراد بود. از باب نمونه، شخصی در مکه خدمت امام باقر(ع) رسید و گفت: شما گمان می کنید که هیچ چیز نیست، مگر آن که برای آن حد و مرزی است. امام در پاسخ فرمودند:

"نعم، انا اقول: انه ليس شيء مما خلق الله صغيراً او كبيراً الا و قد جعل الله حداً، اءذا جوز به ذلك الحد فقد تعدى حق الله فيه؟ آری، من می گویم که هیچ چیز نیست، از آن چه خدا آفریده، چه کوچک و چه بزرگ، مگر آن که برای آن حد و مرزی قرار داده است و چنان که از آن تجاوز شود، به حدود خداوند در آن موضوع تجاوز شده است».

وقتی امام این اصل کلی را بیان فرمودند، آن شخص به عنوان اعتراض از حد خوردن و آشامیدن، که گمان می کرد، مرزی برای آنها نیست، سؤال کرد و امام حد و مرز آن را برای او بیان نمودند.

عزاداری و سوگواری برای امام حسین (ع) نیز، از این قاعده مستثنا نیست؛ زیرا عزاداری نیز مرز بندی های خاصی دارد، که از آن جمله می توان به موارد ذیل اشاره کرد: ۱. اقامه این مراسم باید به گونه ای باشد که انسان گرفتار عمل حرامی نشود، از باب نمونه، اقامه عزا از اموال نامشروع، در زمین غصبی و... نباشد؛ ۲. بهره گیری از دروغ و مطالبی که با شان حماسه سازان کربلا سازگاری ندارد، روا نیست.

بدون تردید، تحریف رویداد کربلا چه لفظی و چه معنوی، خرافه گرایی در نقل حادثه عاشورا، چه شکلی و چه محتوایی، از مرزهای عزاداری به شمار می آیند. بنا بر این، این ادعا که عزاداری هیچ حد و مرزی ندارد، نادرست است و حتی با سخنان موافقان قمه زنی نیز ناسازگاری دارد؛ چرا که آنان نیز، دست کم جواز قمه زنی را محدود به ضرر نداشتن و یا موهن نبودن آن کرده اند و در حقیقت برای آن حد تعیین کرده اند. و نیز حکم به جواز ۳۳۰ نوع عزاداری مرسوم در دنیا بسیار عجیب است، چرا که در روایات وارده از اهل بیت(ع) پاره ای از عزاداری های مرسوم در میان مسلمانان؛ مانند دریدن لباس، کندن مو و خون آوردن صورت، حرام و ممنوع اعلام شده و حتی برای انجام چنین کارهایی کفاره تعیین شده است. ۳

در این صورت چگونه می توان انواع عزاداری هایی را که اقوام و ملت های مختلف دنیا انجام می دهند، جایز دانست؟!

تبیین و تشریح مرزهای عزاداری (که به فهرست بخشی از آن اشاره کردیم) مجال گسترده تری می طلبد و در این میان، به یک رفتار (قمه زنی) که به عنوان شیوه ای در عزاداری مطرح است. می پردازیم: قومه زنی، مستندات و نقدها

قمه زنی و کارهایی همانند آن، پیشینه ای در عصر امامان معصوم(ع) ندارد، لذا برخی از پژوهشگران در این باره به صراحت چنین گفته اند:

«قمه زنی عملی است که برخی از عوام در شهرهای عراق، ایران و لبنان انجام می دهند. این بدعت بد و ناپسند در روزگاری متاخر از امامان معصوم و علمای بزرگ شیعه پدید آمده است. نادانان از پیش خود بدون این که امام و یا عالمی بزرگ این کار را اجازه داده باشد به چنین کاری اقدام نموده و برخی نیز برای سود و تجارت آن را تایید کرده اند. عده ای نیز از ترس اهانت و یا زیان و یا فوت مصلحت و منفعت سکوت کرده اند. کسی جرئت رویارویی با این بدعت را در روزگار ما ندارد، مگر اندکی از عالمان دین. پیشگام این عالمان مرحوم سید محسن امین عاملی است که کتابی نیز با نام: التنزیه لاعمال الشبیه ۴، در حرمت و بدعت بودن آن نوشته است که برخی به همین خاطر با او مقابله کردند.» ۵

به گفته برخی از تاریخ نگاران و شرح حال نویسان، این شیوه از عزاداری از روزگار قاجاریه و به وسیله «آقا فاضل دربندی» مؤلف کتاب "اسرار الشهادة" تاسیس و ترویج شده است. ۶

با صرف نظر از نکات فوق برای جواز قمه زنی به دلیل هایی استناد شده، که به اهم آن اشاره، و سپس به نقد و بررسی آن می پردازیم :

۱. روایت خالد بن سدیر از امام صادق(ع)

خالد بن سدیر، در باره واکنش تند و خشن برخی از عزاداران در مرگ عزیزان خود از امام صادق(ع) پرسش هایی از جمله: حکم پاره کردن لباس، کندن مو و لطمه و سیلی زدن به صورت، سؤال کرد، که امام پس از اشاره به حرمت کارهای یاد شده و وجوب کفاره، فرمودند :

«...و لا شيء في اللطم على الخدود، سوى الاستغفار و التوبه، و قد شققن الجيوب و لطنن الخدود الفاطميات على الحسين بن علي عليهما السلام، و علي مثله تلطم الخدود و تشق الجيوب؛ ۷ لطمه و زدن دست بر صورت کفاره ای جز استغفار و توبه ندارد چرا که دختران فاطمه در سوگ امام حسین(ع) گریبان های خود را پاره کردند و بر صورت خود سیلی زدند. البته جا دارد که بر مثل چنین مصیبتی سیلی به صورت زده شود و گریبان ها پاره گردد».

روایت فوق درباره کفاره است و کفاره نیز در مواردی است که انجام کار حرام باشد، پس این روایت به روشنی بر حرمت لطمه زدن به صورت در مصائب دلالت دارد و جمله: «لا شيء في اللطم»، ثبوت کفاره را نفی می کند، اما حرمت آن به جای خود باقی است. و اما فراز پایانی آن: «علي مثله تلطم الخدود»، حرمت را در خصوص مصائب امام حسین(ع) استثناء می کند؛ یعنی لطمه و سیلی زدن به صورت در عزاداری افراد عادی حرام است، ولی برای امام حسین(ع) جایز است.

برخی از فقهای معاصر، با استناد به روایت فوق و روایاتی همانند آن، لطمه و سیلی زدن به صورت و سینه را در عزاداری پیشوایان معصوم و به ویژه امام حسین(ع) جایز دانسته اند. ۸

اما حتی با توجه به شرح فوق، این روایت در مورد لطمه و سیلی زدن به صورت و... است و ربطی به قمه زنی ندارد و استفاده جواز قمه زنی از روایت که در موضوع لطمه و سیلی زدن بر صورت، قیاس است و قیاس، از دیدگاه شیعه روا نیست.

۲. سرشکستن زینب

برخی برای جواز قمه زنی به عمل حضرت زینب(س) در شکستن سر خود به هنگام ورود به کوفه استناد کرده اند. تاریخ نگاران آورده اند: هنگامی که کاروان اهل بیت را به کوفه وارد کردند، زن و مرد از خانه ها بیرون آمدند. و زنان در حالی که گریه می کردند... ناگهان سرهای شهدا و پیشاپیش آنها سر امام حسین(ع) را که بر نیزه کرده بودند وارد کردند وقتی چشم حضرت زینب به سر بریده برادر افتاد، سر خود را به چوبه محمل زدند، به گونه ای که خون از زیر موهایشان جاری شد و سپس اشعاری در مصیبت برادر زمزمه کردند.

در استناد به این گزارش تاریخی، مدعیان جواز قمه زنی گفته اند: اگر قمه زنی و سر شکافتن در عاشورا و عزای امام حسین روا نیست، پس چرا زینب سرش را به چوبه محمل کوبید و سر و صورتش را آغشته به خون کرد؟ مگر امام سجاد همراه زینب نبود و این اقدام عمه اش را ندید، اگر سر شکافتن حرام است، پس چرا امام به این کار اعتراض نکرد؟ آیا سکوت امام معصوم در این جا نمی تواند تایید و تقریر این عمل باشد؟

استناد به این گزارش تاریخی، برای قمه زنی و کارهایی همانند آن، از چند جهت مخدوش است، که عبارتند از :

۱. اولاً این روایت مرسله است و علامه مجلسی که این گزارش را آورده، به مرسله بودن آن تصریح کرده است. آن بزرگوار می نویسد: رایت فی بعض کتب المعتبره، روی مرسلأ عن مسلم الجصاص ۹ در برخی از کتاب های معتبر دیده ام که به گونه ای مرسل از مسلم گج کار نقل شده است. با چنین روایتی چگونه می توان این عمل را به زینب کبری نسبت داد و یا بر اساس آن مساله ای فقهی را اثبات کرد؟!

محدث قمی در نقد سند روایت یاد شده می نویسد:

«ذکر محامل و هودج، در غیر خبر مسلم جصاص نیست. و این خبر را گرچه علامه مجلسی نقل کرده، لکن مآخذ آن منتخب طریحی و کتاب نورالعین است که حال هر دو کتاب بر اهل فن پوشیده نیست ۱۰».

محدث قمی پس از نقد سند روایت به نقد محتوایی آن پرداخته، که بدان اشاره خواهیم کرد.

۲. از نظر محتوایی نیز، این روایت دارای اشکالاتی است؛ از جمله این که این روایت با سفارش پیامبر به فاطمه زهرا و با سفارش امام حسین به زینب کبری معارض است. ۱۱ امام حسین خواهر را سوگند دادند، که اقدام به لطم و پریشان کردن مو نکنند، آیا با چنین سفارش هایی می توان گفت که عقيله بنی هاشم به چنین کاری دست زده اند.

۳. افزون بر این، همان گونه که محدث قمی اشاره کرده اند، این کار با مقام والا و روح بزرگ حضرت زینب منافات و با شان و جایگاه آن حضرت سازگاری ندارد :

«و نسبت سر شکستن به جناب زینب سلام الله علیها و اشعار معروفه نیز بعید است از آن مخدره، که عقيله هاشمیین و عالمه غیر معلمه و رضیعه ثدی نبوت و صاحب مقام رضا و تسلیم است ۱۲».

بدون شک، زینب کبرایی که متون معتبر اسلامی آن را توصیف کرده اند، با زینبی که این گونه راویان و ناقلان آورده اند از زمین تا آسمان تفاوت دارد.

۴. افزون بر همه اینها، علامه مجلسی از لهوف نقل کرده، که شتران، محمل و هودج نداشته اند. ۱۳ بر همین اساس، شیخ عباس قمی در ادامه سخنان یادشده آورده است :

آنچه از مقاتل معتبر معلوم می شود، حمل ایشان بر شتران بوده که جهاز ایشان پلاس و روپوش نداشته، بلکه در ورود ایشان به کوفه موافق روایت حذام بن ستیر که شیخان [شیخ مفید و شیخ طوسی] نقل کرده اند به حالتی بوده که محصور میان لشکریان بوده اند، چون خوف فتنه و شورش مردم کوفه بوده، چه در کوفه شیعه بسیار بوده. ۱۴

۵. افزون بر همه اینها، قیاس قمه زنی بر این عمل (بر فرض ثبوت که معلوم نیست با قصد صورت گرفته باشد یا نه) قیاس مع الفارق است. ۱۵

۳. زیارت ناحیه مقدسه

برای جواز قمه زنی و همانند آن به فرازهایی از زیارت ناحیه مقدسه، که از سوی امام زمان (ع) صادر شده استناد کرده اند. در بخشی از این زیارت، امام (ع) می فرماید:

«فلما راین النساء جوادک مخزیا و نظرن سرجک علیه ملویا برزن من الخدور ناشرات الشعور علی الخدود لاطمات للوجوه سافرات و بالعویل داعیات و بعد العز مذلللات و الی مصرعک مبادرات و الشمر جالس علی صدرک ۱۶؛ هنگامی که زنان، اسب تو را در آن حال پریشان یافتند و زین آن را واژگون و بدون تو دیدند، از خیمه ها بیرون ریختند، در حالی که موهای خود را پریشان کرده بودند، با دست بر صورتشان می زدند، رو بندهایشان افتاده بود و صداهایشان به واویلا بلند شده بود. پس از عزت به ذلت افتادند و به سوی مقتل تو می دویدند، در همان حال شمر روی سینه تو نشسته بود.»

فرازهای یاد شده بیانگر بی تابی و بر سر و صورت زدن زنان اهل بیت پس از شهادت امام حسین (ع) است.

نقد و بررسی

زیارت معروف به «ناحیه مقدسه»، که به فرازهایی از آن برای جواز قمه زنی استناد شده، هر چند مشهور است، ولی انتساب آن به امام زمان (ع) چندان روشن نیست. سید بن طاووس که این زیارت را در مصباح الزائر نقل کرده، می گوید: «زار بها المرتضی» علامه مجلسی که متن زیارت را به نقل کتاب یاد شده آورده، می نویسد: «و الظاهر انه من تالیف السید المرتضی ۱۷؛ ظاهر این است که این زیارت از آن سید مرتضی است. روشن است.» که در نفی و اثبات حکم شرعی نمی توان به چنین روایتی استناد کرد.

افزون بر این، فرازهای مورد استناد مربوط به بی تابی و لطم و جزع است و ارتباطی به قمه زنی ندارد.

۴. پاره کردن لباس به وسیله امام معصوم (ع)

یکی از دلیل هایی که برای جواز قمه زنی بدان استناد شده، روایاتی است که دلالت می کند، امام حسن عسکری (ع) در عزای پدر بزرگوارشان لباس خود را از جلو و عقب پاره کردند. ۱۸ وقتی به امام در برابر این کار اعتراض شد به عمل حضرت موسی در عزای برادرش هارون استناد کردند و این عمل را جایز شمردند. ۱۹

نقد و بررسی :

۱. جوازدریدن پیراهن، ربطی به جواز قمه زنی ندارد و استفاده جواز قمه زنی از این روایات، قیاس است.

۲. پاره کردن لباس، نمادی برای شدت تاثیر بوده است. همان گونه که لباس سیاه در عرف مردم لباس عزا به شمار می آید. افزون بر این، در روایاتی، از جمله روایت یاد شده آمده است که: پیراهن امام(ع) از جلو و پشت پاره بود؛ یعنی امام پیش از آن که لباس را به تن کنند آن را پاره کرده بودند و این خود بیانگر آن است که این کار نماد عزا و ماتم بوده است.

نکته دیگری که در خور یاد آوری است این که امام در همان سال وفات این عمل را انجام دادند و نه پس از آن و نه در سالگردهای آن واقعه.

۵. قمه زنی و شعائر الهی

برخی برای جواز قمه زنی گفته اند: قمه زنی از شعائر الهی است و تعظیم شعائر، مورد ترغیب و تمجید قرآن و اهل بیت(ع) است.

در پاسخ باید گفت: درست است که بر اساس قرآن بزرگداشت شعائر الهی از وظایف همه مسلمانان است، ولی شعائر به چه معناست؟ چه چیزهایی جزو شعائر به شمار می آیند؟ آیا قمه زنی و امثال آن رامی توان جزو شعائر دانست؟

شعائر، جمع شعیره به معنای علامت و نشانه است. شعائر الهی به آموزه هایی گفته می شود که نمایشگر نشانه ها و مشخصه های روشن دین باشد؛ مانند مراسم حج، نماز جمعه، نماز جماعت و اصل عزاداری برای امام حسین(ع) و اما قمه زنی و امثال آن که مشروعیت آن ثابت نشده است، چگونه می تواند جزء شعائر تلقی شود؟!

۶. مکاشفات اولیای الهی

یکی دیگر از دلیل هایی که برای جواز و یا استحباب قمه زنی بیان شده، مکاشفات یکی از عارفان و اولیای الهی است. از باب نمونه از آیت الله بهاء الدینی نقل شده که ایشان در یکی از ماه های محرم وقتی به اردبیل رفته بودند، در شب عاشورا یک ساعت به اذان صبح برای تهجد بیدار می شوند، وقتی که برای وضو گرفتن به حیاط خانه می روند، می بینند که بین زمین و آسمان پر است از ملائکه و نیز ملائکه را می بینند که گروه گروه از آسمان به زمین آیند... ظهر عاشورا هنگامی که قمه زن ها قمه می زدند، دیده بودند که همان ملائکه زیر بغل قمه زن هایی را که احساس ضعف می کنند، گرفته اند.

نقد و بررسی

استدلال به این موارد نیز نادرست است؛ زیرا:

۱. بسیاری از این خبرها فاقد سند معتبر است. بنابراین، باید در مرحله نخست استناد آنها به بزرگان ثابت شود.

۲. بر فرض اثبات، مکاشفات اولیای الهی، نزد هیچ فقیهی از دلیل های شرعی به شمار نیامده است تا بتوان به وسیله آن حکمی را ثابت کرد.

پی نوشت ها:

۱. بحار الانوار، ج ۲ ص ۱۷۰.

۲. همان، ص ۱۷۱.

۳. وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۵۸۳، دار احیاء التراث العربی.

۴. التنزیه، رساله ای است کوتاه که در سال ۱۳۴۶ ق. نگاشته شده است، این رساله در باره پاک سازی مراسم عزاداری از بدعت ها است. این رساله چنان که شیخ آقا بزرگ تهرانی بدان اشاره کرده اند، در پاسخ به کتابی به نام «سیماء الصلحاء فی اثبات جواز اقامه العزاء لسید الشهداء»، است. الذریعه، ج ۱۲، ص ۲۹۲. سید محسن امین با نقل و نقد برخی از مطالب آن کتاب گفته است: اگر سخنان این نویسنده درست باشد، شایسته بود که عالمان به این اعمال می پرداختند و با شمشیر به سر و روی خود می زدند تا مردم به آنان اقتدا کنند حال آن که هیچ گاه عالمان چنین نکردند و بدان فرمان ندادند. و برخی از عوام این امور را در عصر حاضر ایجاد کردند..

۵. محمد جواد مغنیه، الشیعه فی المیزان، ص ۱۴.

۶. مهدی بامداد، شرح حال رجال ایران، ج ۴، ص ۱۳۸ زوار؛ عبدالله مستوفی، شرح حال زندگانی من، ج ۱، ص ۲۷۶، زوار. و یا به احتمالی در روزگار صفویه و به دست قزلباشان به وجود آمده است. هفته نامه صبح صادق، ۲۲۸، دو شنبه ۹ بهمن ۱۳۸۵ ش ص ۱۰. در جزوه دست پنهان نیز از قول استاد شهید مرتضی مطهری نقل شده که قمه زنی از ارتدوکس های قفقاز به شیعه سرایت کرده است.

۷. وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۵۸۳، باب الکفارات ۳۱.

۸. جواهر الکلام، ج ۴۰، ص ۳۷۱؛ التنقیح فی شرح عروه الوثقی آیت الله خویی، ج ۹، ص ۳۴۲.

۹. بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۱۱۴.

۱۰. شیخ عباس قمی، منتهی الامال، ج ۱، ص ۴۹۳، جاویدان. منتخب طریحی کتابی است که با هدف گریه و ندبه بر امام حسین نوشته شده و مطالب نادرست آن فراوان است. شماری از عالمان برخی از مطالب

غير معتبر و مسامحات آن را ياد آوري کرده اند. ر.ک: لو لو و مرجان ص ۱۸۳ - ۱۸۴. شيخ آقا بزرگ تهراني با معرفي نسخه های آن معتقد است که در اين کتاب تصرفاتی شده است. الذريعه، ج ۲۲، ص ۴۲۰. در کتاب نور العين نيز مطالب ضعيف فراوان يافت می شود تا جایی که محقق بزرگوار قاضي طباطبایی می گوید: از کتب بسيار ضعيف و غير قابل اعتماد و پر از جعلیات و نقلیات قصه سرايان است. تحقيق درباره اول اربعين حضرت سيد الشهداء، ص ۶۰ و ۶۴۰.

۱۱. وسائل الشيعه، ج ۳، ص ۲۷۲، مؤسسه آل البيت؛ بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۱-۳.

۱۲. منتهی الآمال، ج ۱، ص ۴۹۳.

۱۳. همان، ص ۱۰۷.

۱۴. منتهی الامال، ج ۱، ص ۴۹۳.

۱۵. قياس مع الفارق؛ يعنى قياس چیزی بر چیز ديگر بدون علت و مناسبت و اشتراك.

۱۶. بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۳۲۲.

۱۷. همان.

۱۸. محمد بن على بن الحسين، قال: «لما قبض على بن محمد العسكري رضى الحسن بن على (ع) و قد خرج من الدار و قد شق قميصه من خلف و قدام». وسائل الشيعه، ج ۳، ص ۲۷۴. آل البيت.

۱۹. ابن عون، به عنوان اعتراض به اين عمل حضرت نوشت: من رايت او بلغك من الائمة شق قميصه في مثل هذا؟ فكتب ابو محمد (ع) يا احمق و ما يدريك ما هذا؟ و قد شق موسى على هارون. همان مدرک.